

«دارالشرع» مشهد در دوره قاجار و بررسی چند سجع مهر

محمدحسین سلیمانی^۱

چکیده

بررسی اسناد شرعی نشان می‌دهد که علاوه بر طرفین معامله، سَجَل و سَجَع کسان دیگری نیز روی سند نقش بسته است. از آنجا که هیچ سجع و سَجَل نگاشته‌ای اتفاقی بر بستر کاغذ نقش نبسته، رمزگشایی مهرها و نسبت و سهم سَجَل‌نگاران در پدیدآیی سند از موضوعات مهم و البته جذاب در سندشناسی به شمار می‌رود. آیا می‌توان به مهم‌ترین سجع نقش بسته روی سند پی برد؟ سجع‌های دیگر چه اهمیتی در شناسایی و تشخیص اصالت یک سند دارند؟ این نوشتار بر آن است تا با «رویگرد بسامدی» در تحلیل یک مجموعه از اسناد شرعی که متعلق به جغرافیای مشهد در دوره قاجاریه است، به این پرسش‌ها پاسخ دهد. حساسیت پژوهنده در رویگرد بسامدی روی «تکرار» و «جایگشت» یا «محل» سجع‌ها و سجلات و اسامی است که به صورت مکرر در اسناد دیده می‌شود. این مقاله در نهایت به طرح ساختار دارالشرع انور مشهد نزدیک شده و با ذکر مثال‌هایی به تشریح نقش‌های وابسته به آن می‌پردازد.

کلیدواژه: دارالشرع، مجتهدان مشهد، محرر دارالشرع، ملازم دارالشرع، اسناد شرعی.

۱. درآمد

دارالشرع مسندی بوده که زعیم آن یک مجتهد بود؛ کسی که «به مرحله‌ای از علم رسیده که می‌تواند احکام شرع را از روی ادله اربعه - کتاب خدا، سنت، عقل و اجماع - استخراج کند»^۲ یا «عالمی که در

soleymani99@gmail.com

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی دانشگاه تهران

۲. فرهنگ فارسی معین.

علم فقه به درجهٔ اجتهاد رسیده و مسائل شرعیه را از قرآن استنباط می‌کند؛^۱ لذا اسنادی که برآمده از مباحث فقهی و توسط شخصی ذی صلاح مطابق با رسم سندنویسی همان دوره و خارج از نظام سیاسی تنظیم شده‌اند را «اسناد شرعی» گویند^۲ که صرف نظر از چارچوب‌های فقهی حاکم بر آنها همان «اسناد اجتماعی» هستند.^۳ اگر چه قائم‌مقامی در یک تقسیم‌بندی جداگانه آنها را به «اوراق سندی» و «اوراق صریحه» بخش‌پذیر کرده است.^۴

اسناد شرعی و به عبارت کلی‌تر اسناد اجتماعی در «محضر» یک مجتهد یا شخص ذی صلاح تحریر می‌شد و از اسناد مخصوصاً از حکم‌های صادره یا اوراق حکمیّه برمی‌آید که آن مجتهدان خود را «خادمان شریعت مطهره» می‌نامیدند.^۵ در پایان سند نیز در «محل» ویژه‌ای - بسته به سبک هر مجتهد - سجع مهر و سجع او می‌آمده است. از آنجا که مجتهدان و عالمان سرشناس بخشی از وقتشان را برای رسیدگی به امور اجتماعی مردم اختصاص می‌دادند، مکان ویژه برای آن امور، خانه یا بیت آنها بوده است که مراجعان به «محضر» ایشان می‌رفتند. اما کم‌کم از اواسط قاجار، محضرهای ویژه‌ای به وجود آمد به نام «دارالشرع» که به صورت تخصصی به دعاوی و مناقشات حقوقی مردم رسیدگی می‌کرد و ساختار ویژه‌ای داشت.

طبق بررسی‌های نگارنده در دارالشرع، حداقل یک «مجتهد» و احتمالاً تعدادی «محرّر» و «ملازم» بوده‌اند که هر یک وظیفه‌ای خاص داشته‌اند. علاوه بر این سه نقش «طلبه‌های کارآموزی» نیز در آنجا حضور داشته‌اند که سجع آنها با عنوان «اقل‌الطلبه» روی برخی از اسناد نقش بسته است. از آنجا که نمونه‌های این تحقیق مربوط به اسنادی است که در مشهد تحریر شده، ممکن است در جای دیگری صادق نباشد؛ بنابراین بسط و تعمیم این داده‌ها، به تحقیقات بیشتری نیاز دارد.

دارالشرع‌ها در شهرهای مختلف فعال بوده است. به عنوان نمونه مستندات وجود دارد که با اتکای به آنها علم قطعی پیدا می‌کنیم که دارالشرعی در شیراز در دورهٔ قاجاریه در زمینهٔ ثبت اسناد شرعی پیشگام بوده است، بدین معنی که علاوه بر نگارش کاغذ معامله، نسخه‌ای از آن نیز به عنوان سابقه در «فرد تمسکات و قبوض» به ثبت می‌رسیده است.^۶ شیراز در دورهٔ قاجاریه در قبال نگارش و ثبت اسناد شرعی، از شیوه‌ای ممتاز برخوردار بوده است. هر یک از محاکم این شهر علاوه بر ثبت قباله بر همان قباله نام محکمه را درج می‌کرده است.^۷

مقارن رواج دارالشرع‌های شیراز، در مشهد نیز دارالشرع‌ها با همان ساز و کار توصیف شده، رایج بوده

۱. فرهنگ عمید.

۲. رضایی، درآمدی بر اسناد شرعی دورهٔ قاجار، ص ۳.

۳. سلیمانی، اسناد شرعی قاجاری در خاندان میر محمد جعفر رضوی (واقف ۱۱۰۸ق)، ص ۳.

۴. قائم‌مقامی، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، ص ۴۲.

۵. سلیمانی، اسناد شرعی قاجاری در خاندان میر محمد جعفر رضوی (واقف ۱۱۰۸ق)، ص ۱۳ و ۲۶ تا ۳۲.

۶. رضایی، درآمدی بر اسناد شرعی دورهٔ قاجار، ص ۷ و ۸.

۷. رضایی، قباله‌های پارسی، پردازش صوری و محتوایی، ص ۵۰.

است، چنان که به صراحت نام «دارالشرع انور» در اسناد مشهد آمده و حتی مشاغل وابسته به خود را نیز داشته است. عناوینی مانند «محرّر دارالشرع انور»، «ملازم دارالشرع انور» گویای همین مضمون است.^۱ نگارنده علاوه بر دو شهر یاد شده عبارت «دارالشرع انور» را در اسناد قاجاری به دست آمده از همدان^۲ و فارس^۳ نیز مشاهده کرده که این خود نشانگر آن است که احتمالاً در سراسر ایران تحریر اسناد شرعی در دوره قاجاریه از الگوی کمابیش واحدی تبعیت می کرده است. در کتابخانه آستان قدس رضوی، دست‌نوشته‌ای با عنوان «دفتر ثبت اسناد شرعی» با شماره اموال ۱۵۸۴۸ نگهداری می‌شود که متعلق به «محضر حاج فاضل» خراسانی بوده است. محرّر محضر حاج فاضل اسناد را با سبک ویژه‌ای ثبت کرده که بررسی آن دست‌مایه تحقیقی جداگانه است. با اتکا به همین دست‌نوشته دانسته می‌شود که دارالشرع‌ها در شهرهای دیگر نیز رایج بوده، ولی هنوز تحقیقات جامعی بر اسناد محلی صورت نگرفته تا سازوکار آنها هویدا شود.

۲. ساختار دارالشرع

۲-۱. مجتهدان

در عصر قاجاریه اکثر مجتهدان بانفوذ از دربار بر کنار ماندند و هیچ نوع تظاهر حضور در صحنه‌های سیاسی را نپذیرفتند.^۴ برخی از آنها در عرصه اجتماعی به اجرای دستورات شریعت پرداختند و برخی نیز به مشاغل دیگر روی آوردند. در مشهد اما دو خاندان پرنفوذ بر دارالشرع این شهر تأثیر به‌سزایی گذاشته‌اند، اولی خاندان شهیدی - که از فرزندان میرزا مهدی شهید هستند - که همواره در سجع مهر خود پس از نام کلمه «الحسینی» را حک می‌کردند و دیگری خاندان بانفوذ رضوی که برخی از دوره‌ها سمت متولی‌گری آستان قدس را نیز برعهده داشته‌اند. البته گریخته و بسته خاندان‌های دیگری نیز در عرصه نقش داشته‌اند مانند خاندان بروجردی که در همین مقال به آنها نیز پرداخته می‌شود.

القابی چون «حجت‌الاسلام، شیخ‌الاسلام، رکن‌الاسلام، ثقت‌الاسلام، اعتمادالاسلام، ضیاءالاسلام و نظام‌العلماء»^۵ تنها بخشی از طیف وابسته به شریعت‌مداران را به ما می‌نمایاند. در خلال اسناد مشهد، با توجه به تاریخ و جغرافیای آن، می‌توان به مشاغل دیگر که مرتبط با این طیف هستند، همچون «روضه‌خان»، «عمامه‌پیچ»، «زیارت‌نامه‌خان» و «خطیب باشی»^۶ اشاره داشت که احتمالاً می‌باید سنخیتی با ملقب خود

۱. نک: سلیمانی، اسناد شرعی قاجاری در خاندان میر محمد جعفر رضوی (واقف ۱۱۰۸ق).

۲. با سپاس از خانواده شهبازی در همدان.

۳. با سپاس از استاد عبدی محمد ارشادی پژوهشگر خطه فارس و ایل بختیاری.

۴. آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۲.

۵. سلیمانی، اسناد شرعی قاجاری در خاندان میر محمد جعفر رضوی، ص ۵ و نیز اسناد شماره ۸۰، ۲۷۱، ۸۵، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۵۵.

۶. نک: سجع مهر سند ۲۵۲.

داشته باشند. البته گستره القاب مرتبط با شریعت و تنوع آن، به مشهد ختم نمی‌شود. در اسناد و متون تاریخی، نمونه‌های دیگری همچون «امین‌الشرع»، «سیف‌العلماء»، «شریف‌العلماء» و... قابل مشاهده هستند.^۱ عقد و ایقاعات در منابع فقهی اسلامی در محضر مجتهد و با جاری شدن صیغه آن به وقوع می‌پیوست. پس از جاری شدن صیغه، مجتهد بسته به نوع سند، مهر خود را در محل مخصوصی می‌نشانند. برای نمونه در استفتائات محل مهر همواره در صدر سند بوده است؛^۲ اما در اوراق حکمیه معمولاً در آخرین سطر و پس از اتمام آخرین کلمه بوده است.^۳

۲-۱-۱. سجع‌شناسی مجتهدان قاجاری مشهد و تطبیق آن با اسناد و متون هم‌ارز

محرران در هنگام سوادبرداری از اسناد و در هنگام نگارش سجع مهر مجتهدی که سند را سجل کرده‌اند، نام وی را نیز نوشته و در آخر به آن کلمه مجتهد را اضافه می‌کرده‌اند. بنابراین یکی از راه‌های سجع‌یابی مجتهدان از طریق همین سوادها صورت می‌گیرد. مهم‌تر اینکه از طریق همین متن، سجل و سجع مهرها می‌توان مجتهدان کمتر شناخته شده را نیز شناسایی کرد. کم نیستند مجتهدانی که دارای آثاری مدون نبوده و جز سجع مهری بر سند، نقشی از آنها بر جای نمانده است. در ادامه به برخی از مهرهای مجتهدان قاجاری در مشهد اشاره می‌شود. شناسایی این امهار به فهرست‌نویسان، سندپژوهان، سندشناسان و نمایه‌سازان محلی کمک خواهد کرد تا درک بهتری از یک سند داشته و ملاحظات خود را توصیف یک سند گسترش دهند. از سویی با رمزگشایی انجام شده، درجه‌بندی رجالی مهرها را در نظر گرفته و از ابهام و افری که در شناسایی و اصالت هر سند وجود دارد، رها شوند. تمامی مهرهای شناسایی شده از کتاب/اسناد شرعی قاجاری در خاندان میرمحمدجعفر رضوی استخراج شده است.^۴

۲-۲-۱. [مربع، ثلث] حبیب‌الله الحسینی ۱۳۰۹.

مجتهد خراسانی، میرزا حبیب‌الله (۱۲۶۶-۱۳۲۷ هـ ق): فرزند میرزا هاشم (۱۲۶۹-۱۲۰۹ هـ ق) و نوه میرزا هدایت‌الله مجتهد (۱۲۴۸-۱۱۷۸ هـ ق) و نبیره میرزا مهدی خراسانی ملقب به شهید (۱۲۱۸-۱۱۵۲ هـ ق) است. در برخی از منابع حاج میرزا حبیب‌الله رضوی ضبط شده است.^۵

۲-۲-۲. [مربع، ثلث] العبد حبیب‌الله بن هاشم الحسینی ۱۳۱۰.

احتمالاً سجع دیگری از میرزا حبیب‌الله مجتهد خراسانی است.

۱. ریاحی، تاریخ خوی، ص ۳۹۲.

۲. سلیمانی، اسناد شرعی قاجاری در خاندان میر محمدجعفر رضوی، ص ۳۲ تا ۴۰.

۳. همان، ص ۲۶ تا ۳۲.

۴. همان.

۵. همان، سند ۱۶۲، ۲۱۲.

۶. میرزا عبدالرحمن، تاریخ علمای خراسان، ص ۲۷۵.

۷. همان، سند ۹۳، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۵۹، ۲۴۷.

۲-۳-۳. [مربع، نستعلیق] ابن هدایت الله عسکری الحسینی.

میرزا عسکری مجتهد (۱۲۱۱-۱۲۸۰ هـ ق) فرزند میرزا هدایت‌الله و نوه میرزا محمد مهدی شهید است. پس از پدرش منصب امامت جمعه مشهد رسید و بنا به درخواست محمدشاه قاجار رساله‌ای در حدود دیات به رشته تحریر آورد و در زمان فوت وی بر جنازه‌اش نماز خواند.^۱ صاحب الذریعه‌الی التصانیف الشیعه، آثاری از وی را در زمینه فقه اسلامی همچون ینابیع الشریعه در فقه امامیه، و نیز شرحی بر تمهد القواعد، ضبط کرده است.^۲

۲-۳-۴. [دایره‌ای، نستعلیق] حسن ۱۳۲۱۳.

بُرسی - حسن (۱۳۴۱ هـ ش): حجت‌الاسلام شیخ حسن بُرسی و پدر شیخ عبدالجواد بُرسی از اساتید حوزه علمیه مشهد بود. عبدالجواد بُرسی نیز چندی به تبع پدر سر دفتر اسناد رسمی بود و در روز ۲۰ رجب ۱۳۸۲ هـ ق در مشهد درگذشت. از شاگردان وی می‌توان شیخ مهدی الهی قمشه‌ای را نام برد.

۲-۳-۵. [مربع، نستعلیق] ابن محمد هاشم عبده محمد باقر الحسینی ۱۲۷۸.

شفتی (/شهیدی)، میرزا محمد باقر (۱۳۱۹ هـ ق)

فرزند میرزا هاشم و نوه میرزا هدایت‌الله و نبیره میرزا محمد مهدی شهید است. دو برادر خردتر او میرزا محمدجعفر - که سمت امام جمعه مشهد را داشت - و میرزا حبیب‌الله الحسینی هستند. شهرت وی شفتی است. پس از تحصیل علوم ادب و فقه و اصول عازم عتبات عالیات شد. میرزا هاشم کلیددار فرزند اوست.^۳ محمدعلی خراسانی معروف به حاج فاضل - که اسناد زیادی به سجع او باقی مانده - از شاگردان شفتی بوده است.^۴

۲-۳-۶. [مربع، نستعلیق] عبده الراجی محمدباقر الحسینی^۵

سجع مهر دیگری از محمدباقر شفتی (/شهیدی) است. سجع وی بر اسناد شرعی بسیاری دیده شده است. قسمت زیادی از این اسناد را اوراق حکمیه و استفتائات تشکیل می‌دهد؛^۶ بنابراین این با توجه به کمیت اسناد می‌توان گفت که «مخضر» پروتقی داشته است.

۲-۳-۷. [بیضی، نستعلیق] عبده الراجی محمد باقر الحسینی^۷.

۱. همان، ص ۹۴ و ۹۵.

۲. آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی التصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۵.

۳. همان، سند ۱۵۲، ۱۹۱، ۲۵۵، ۲۰۲، ۱۹۳.

۴. همان، سند ۱۲۴.

۵. رضوی، شجره طیبه در انساب سلسله سادات علویه رضویه، ص ۴۱۲.

۶. طهرانی، طبقات اعلام شیعه، نقباء البشر فی قرن الرابع عشر.

۷. همان، سند ۶۹.

۸. نک: سلیمانی، اسناد شرعی قاجاری در خاندان میر محمد جعفر رضوی، ص ۲۶ - ۴۰.

۹. همان، سند ۷۴.

احتمالاً سجع مهر دیگری از محمدباقر شفتی است که در توجیه می‌توان گفت مجتهدان گاهی پس از سفارش برای حک کردن یک سجع جدید به حکاک، مهر قبلی را از بین می‌بردند که در اصطلاح به آن مهرکشی می‌گویند. اگر نقش مهر بر کاغذ سند با حرارت شعله سوزانده می‌شد، به آن مهرکشی (لاشه‌کردن) می‌گفتند^۱ و این هنگامی بود که سند پس از طی یک چرخه از دایره اعتبار ساقط می‌شد. فرضیه‌ای که در اینجا مطرح می‌شود، این است که با توجه به سند مورد بررسی^۲ و با در نظر گرفتن محل تحریر سجع و سجع، می‌توان احتمال داد که مجتهد می‌توانسته هم‌زمان از یک یا چند سجع جداگانه استفاده کند، بدون آنکه مهرهای قبلی را کشته باشد. هرچند ممکن است تاریخ و جغرافیای هر سند با دیگری برابر نباشد.

۲-۸. [بیضی، نستعلیق] المتوکل علی الله الغنی جعفر الحسینی ۱۲۶۶.^۳

میرزا محمدجعفر (۱۲۵۳-): فرزند دیگر حاج میرزا هاشم و نوه میرزا هدایت‌الله و نبیره میرزا محمدمهدی شهید است. وی برادرزاده و داماد میرزا عسکری - فرزند میرزا هدایت‌الله - بود. پس از مرگ پدر بر اثر وبای سال ۱۲۰۹ ق. عازم عتبات شد و از میرزای شیرازی بهره برد و در سال ۱۲۷۷ قمری به مشهد بازگشت. در سال ۱۲۸۰ ق. در زمان حکومت حسام‌السلطنه میرزا عسکری، امام جمعه وقت مشهد، وفات یافت و منصب امام جمعه که مخصوص خاندان شهیدی بود، به وی تفویض شد.^۴

۲-۹. [بیضی، نستعلیق] محمد جعفر الحسینی.^۵

سجع مهر دیگری از میرزا محمدجعفر فرزند میرزا هاشم است، اما شوربختانه رقم آن ناخوانا است. در این سند منحصر به فرد سجع مهر هر سه فرزند میرزا هاشم بن هدایت‌الله یعنی میرزا حبیب‌الله و میرزا محمدباقر شفتی در کنار هم و زیر عبارت توشیح «صحیح است» دیده می‌شوند. این سند در ۱۲۸۵ یعنی پنج سال پس رسیدن محمدجعفر به منصب امام جمعه مشهد تحریر شده و احتمالاً اولین سجع او باشد.

۲-۱۰. [مستطیل، نستعلیق] الواثق بالله العلی محمد علی ۱۳۰۴.^۶

محمد علی فاضل خراسانی مشهور به حاج فاضل (۱۳۴۲ - ق): میرزا محمدعلی فاضل از دانشمندان و علمای بزرگ فلسفه و فقه ایران در مشهد بود. حاج فاضل در مشهد سال‌ها صاحب «محضر قضاوت» بوده است. در مقدمه گفته شد که نگارنده دفتر سجلات وی را یافته و در دست بررسی دارد. وی در دوره مشروطه ترور شد، ولی جان سال به در برد و پیش از مشروطه هم بر اثر رخدادی همراه میرزا حبیب مجتهد از طرف آصف الدوله شاهسون استاندار خراسان به کلات و دره‌گز تبعید شد. از وی کتب و اشعاری برجای

۱. رضایی، درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، ص ۳۲.

۲. سلیمانی، اسناد شرعی قاجاری در خاندان میر محمد جعفر رضوی، سند ۷۴.

۳. همان، سند ۶۹، ۷۰.

۴. همان، سند ۲۴۴؛ رضوی، شجره طیبیه در انساب سلسله سادات علویه رضویه، ص ۱۴ و ۱۵.

۵. همان، سند ۳۱۷.

۶. سند ۷۸، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۳۲۷.

مانده است.^۱ گویا حاج فاضل علاوه بر فقه و فلسفه و شاعری محضر پر رفت و آمدی داشته است، زیرا سجع مهر وی بر بسیاری از اسناد شرعی این دوره خودنمایی می‌کند.

۲-۲-۱۱. [مستطیل، نستعلیق] ابن هدایت الله عبده محمد هاشم الحسینی ۱۲۲۶.

میرزا هاشم (۱۲۰۹ - ۱۲۶۹ ق): فرزند ارشد میرزا هدایت‌الله و نوه میرزا مهدی شهید است.^۲ از پدرش اجازه اجتهاد گرفت و کوشید تفسیر ناتمام پدرش را کامل کند و کتابی دیگر به نام *تسلیه الفواد فی فقد المحبه و الاولاد* نوشت.^۳ میرزا محمد باقر شفتی، نظام الدین و میرزا سید محمد از فرزندان وی هستند.

۲-۲-۱۲. [بیضی، ثلث] العبد محمد رحیم ۱۲۶۰.^۴

بروجردی، محمد رحیم (۱۲۲۴ - ۱۳۱۰ ق): محمد رحیم مجتهد بروجردی در بروجرد متولد شد و پس از تحصیل مقدمات درس خارج را نزد علمای آن زمان فرا گرفت. او در سال ۱۲۴۱ ق. به نجف رفت و در زمره شاگردان صاحب جواهر درآمد. چون شرحی بر *مختصر النافع* در فقه نوشت، مورد تحسین و تمجید استاد گشت و به او اجازه اجتهاد داد. مدتی در نجف به تدریس پرداخت و بعد در کربلا مقیم گردید. در سال ۱۲۵۸ ق. به مشهد آمد و در همان جا ساکن شد. پس از فتنه سالار در خراسان میرزا تقی‌خان امیرکبیر او را به تولیت آستان قدس رضوی منصوب نمود.^۵

۲-۲-۱۳. [بیضی، ثلث] ابن محمد رحیم عبدالحسین ۱۳۰۱.^۶

بالاخیبانی، عبدالحسین (۱۲۶۲ - ۱۳۴۴ ق): فرزند محمد رحیم بروجردی است. وی مقدمات را نزد پدر خواند و سپس عازم عتبات شد. مدتی در خدمت میرزا محمد حسن شیرازی حضور یافت و پس از نیل به درجه اجتهاد به مشهد برگشت و مدرس آستان قدس شد. در انقلاب مشروطیت در سلک مخالفین درآمد. کتابخانه شخصی او بعدها به حاج حسین آقای ملک فروخته شد و اساس کتابخانه ملی ملک شد.^۷

۲-۲-۱۴. [بیضی، نستعلیق تحریری] محمدحسین ۱۳۱۷.^۸

نجفی، محمدحسین (۱۲۸۱ - ۱۳۳۹ ق): محمدحسین نجفی فرزند میرزا عبدالجواد، نوه میرزا عبدالکریم و نبیره میرزا مهدی شهید است که از علما و فقهای قرن چهاردهم هجری بوده. او پس از آشنایی با زبان فارسی و عربی، به حوزه علمیه نجف رفته و خارج فقه و اصول را نزد حاج سید اسماعیل صدر، شیخ الشریعه اصفهانی و سید کاظم یزدی به پایان رسانده و به درجه اجتهاد رسیده است. سپس به مشهد مقدس آمده و

۱. گلشن آزادی، *صد سال شعر خراسان*، ص ۴۱۲، ۴۱۳؛ عبدالرحمن، *تاریخ علمای خراسان*، ص ۲۶۹، ۲۷۰.

۲. *مدرس رضوی*، ص ۴۱۱.

۳. همان، به نقل از *فاضل بسطامی صاحب فردوس التواریخ*، ص ۱۲۶.

۴. سند ۱۸۳.

۵. *لغتنامه دهخدا*، ذیل محمد رحیم.

۶. همان، سند ۱۳۳.

۷. *ولایی*، «شرح حال نواب تولیت عظمای آستان قدس رضوی»، *نامه آستان قدس*، ص ۸۶.

۸. همان، سند ۱۸۸، ۲۷۸.

مناصب آباء و اجدادی خود را به عهده گرفته است. وی در مخالفت با مشروطه و اصرار بر مشروطه شهرت داشته. پس از شهادت شیخ فضل الله نوری در ۱۳۳۷ق. هدف ترور شبانه مشروطه خواهان واقع شده، اما جان به در برده است.^۱

۲-۲. محرران

در لابه لای سطور اسناد پیش می آمده که دنباله نام اشخاص، شغل آنها نیز ذکر شود. برخی از این شغلها دیگر وجود ندارند و دانسته نمی شود که سازوکارشان در آن روزها چه بوده است، اما با یک «رویکردی بسامدی» به اسناد و با در نظر گرفتن «تکرار و جایگشت» کلمات خاص در مجموعه ای از اسناد یک دوره که از حیث «ساخت و بافت» ویژگی های مشترکی دارند، می توان ساختاری از آنها استخراج کرده، سپس به طبقه بندی شان پرداخت. برای نمونه در آغاز یک مصالحه نامه چنین آمده است: «مصالحه صحیحه صریحه شرعیه ملیه اسلامیة قطعیه نمود عالی حضرت رفیع منزلت آقا کربلایی محیی خیاط... به عالی حضرت سلاله السادات و الانجاب آقامیرزا حسین روضه خوان ولد ارجمند... آقامیرزا علی اکبر محرر...»^۲.

بررسی مجموعه اسناد خاندان رضوی در مشهد نشان داد که عنوان های «الذاکرین»، «الشریف» و «الشریعه» که در پسوند مهرها و پس از یک نام آمده است، متعلق به طبقه ای از محرران بوده که در محاضر و محکمه های دارالشرع فعالیت می کرده اند. برای نمونه سجع مهر «محمدعلی شریف الذاکرین ۱۳۲۱»، «صدیق الذاکرین»، «صدر الذاکرین»، «مجد الذاکرین»^۳ و نیز «شمس الذاکرین»، «علی صدیق الشریعه»^۴ «اعتماد الشریعه»، «نظام الشریعه»، «ناصر الشریعه»، «مؤید الشریعه»، «معاون الشریعه»، «ضیاء الشریعه»^۵ این مسئله را تأیید می کند.^۸

«محرر» و «ملازم» نیز از شغل های وابسته «دارالشرع انور» بوده اند. البته در مورد اسناد مشهد ممکن است برخی از کسانی از آنها یا عنوان «محرر» یاد شده است دست اندرکار تشکیلات آستان قدس بوده باشند و همزمان در دارالشرع نیز به فعالیت مشغول بوده اند. برخی از محرران علاوه بر تحریر و سواد برداری

۱. انصاری، شهید رابع، مرحوم آیت الله میرزا محمد مهدی خراسانی، ص ۴۵ و ۴۶.

۲. سلیمانی، اسناد شرعی قاجاری در خاندان میر محمد جعفر رضوی، ص ۱۳.

۳. همان، اسناد ۳۵، ۴۱، ۲۵۱، ۲۵۲.

۴. سند ۲۵۰.

۵. سند ۱۵۱، ۳۱۳، ۳۳۱.

۶. سند ۴۱.

۷. سند ۳۲، ۳۹، ۴۱، ۷۸، ۱۰۳، ۲۴۹.

۸. همان، ص ۱۴، سند ۳۵؛ سند ۲۸۱؛ سند ۱۵۱.

و سبک‌نگاری اسناد گاهی - چنانکه در اسناد دیده شده - نقش « معرف » را نیز داشته‌اند.^۱ لازم به توضیح نیست که شناسایی محرران و ملازمان و دیگر شغل‌های وابسته به دارالشرع در سندشناسی هر منطقه دارای اهمیت بوده و آشنایی با سبک ویژه نوشتاری هر محرر می‌تواند پژوهشگران را در تشخیص اصالت سند و نیز فهم بهتر آن یاری رساند. از آنجا که این طبقه، افرادی گمنامی هستند و هیچ منبع رجالی به طبقه محرران نپرداخته است، ما صرفاً به اطلاعاتی اندک از آنها که در خلال سطور اسناد آمده، دسترسی داریم و نوشتن دریاب آنها بسیار دشوار است و از قطعیت آن می‌کاهد.

۲-۳-۱. [نستعلیق، بیضی] عبده الراجی خلیل‌الله^۲ = میرزا بابای محرر

رقم مهر او ناخوانا است، اما از سجع مهر او پیداست که نام او خلیل و «محل» مهر او در جانب وحشی سند و بین سطر اول و دوم متن است. همچنین از خلال مصالحه‌نامه‌ای در می‌یابیم وی خادم کشیک آستان قدس و خواهرش نیز همسر ملا عبدالمجید، قاضی قاز بوده است.^۳

۲-۳-۲. [بیضی، نستعلیق] رضاالحسینی^۴ = سید رضا محرر

سید رضا محرر فرزند آقا میرزا محمدعلی بوده است و احتمالاً محرری را نیز از پدر آموخته است. از «خطاب» یک سند عریضه پیداست که وی در زمانی کوتاه ارتقا و به عنوان «شریعت‌مداری» دست یافته است.^۵

۲-۳-۳. میرزا محمدعلی محرر

فرزند آقا میرزا حسین قورقانی و احتمالاً پدر سید رضا محرر بوده است. سجع مهر وی فعلاً به دست نیامد.^۶

۲-۳-۴. [بیضی، نستعلیق] علی‌اکبر الرضوی = میرزا علی‌اکبر محرر

میرزا علی‌اکبر محرر دارالشرع انور و متولی موقوفات میر محمد جعفر رضوی بوده است. وی پدر میرزا حسین محرر بوده و نسبش به این صورت به میرمحمد جعفر رضوی واقف ۱۱۰۸ ق. می‌رسد: علی‌اکبر فرزند میرمحمد طاهر فرزند طالب محمد فرزند میرزا حسین میرزا ابوطالب فرزند میرتاج‌الدین علی فرزند میرابوطالب فرزند میرمحمد جعفر رضوی.^۷

۲-۳-۵. [بیضی، نستعلیق] ابن علی‌اکبر حسین الرضوی = میرزا حسین محرر.

۱. برای نمونه نک به اسناد: ۱۱، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۵، ۳۵، ۳۷، ۴۵، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۷، ۸۰، ۸۵، ۹۲، ۱۰۲.
۲. سند ۱۹، ۷۲، ۲۵۲.
۳. همان، ص ۱۰، ۲۷، ۴۳، ۴۴.
۴. سند ۴۰.
۵. همان، ص ۱۴، ۳۵.
۶. همان، ص ۱۲، ۱۴.
۷. نک: رضوی، شجره طیبیه در انساب سلسله سادات علویه رضویه.

میرزا حسین رضوی (۱۲۵۷-۱۳۲۲ ش) یا شجاع‌الوکلا فرزند میرزا علی‌اکبر محرز بوده است. در اسناد ابتدا با لقب میرزا حسین «روضه‌خوان»، «محرز»، «رضوی» و «ملازم دارالشرع» از او یاد شده است؛ ولی چون در وکالت فردی چیره‌دست بوده، در اسناد متأخر همه‌جا از او با لقب «شجاع‌الوکلا» یاد می‌شود.^۱

۲-۳-۶. میرزا احمد محرز. وی خادم کشیک ثالث آستان قدس بوده و هاشم حکمی که از سوی میرزا حبیب‌الله مجتهد صادر شده، با خط او تحریر شده است که «مخفی نماند حکم صادره از حضرت مستطاب - رضوان‌الله علیه - آقای حاج میرزا حبیب‌الله - طاب ثراه - می‌باشد و به خط اقل میرزا احمد المحرز خادم کشیک ثالث...»^۲

۲-۳-۷. [بیضی، نستعلیق] عبده حسن‌الحسینی^۳ = سید حسن محرز گلپایگانی. فرزند سید علی گلپایگانی و ملقب به سیف‌الشریعه است.^۴ خط و سجع مهر او در اسناد زیادی برجای مانده. سبک ویژه وی در تحریر این بوده که در انتها، کلمه آخر سند را با خاتم خود مختوم می‌کرده است.^۵

۲-۳-۸. [بیضی، ثلث] سجع حسین بن عبدالله^۶ = میرزا عبدالحسین محرز. میرزا عبدالحسین از جمله محرزانی است که خود صاحب محضر شده‌اند. این نکته از محل مهر وی که همواره در صدر سند بوده و با توشیح «صحیح است» می‌آمده، قابل اثبات است. در اسنادی که وی بر آنها سجل‌نگاری کرده، سجع مهرهایی آمده که با کلمات «الشریعه» و «اسلام» لقب‌سازی شده است: «العبدالمذنب علی صدیق‌الشریعه، علی‌اکبرالموسوی مؤیدالشریعه» و «اعتمادالاسلام» این مطلب احتمالاً نشانگر آن است که این کلمه برای طبقاتی که متولیان شرع و محاضر بوده‌اند، به کار می‌رفته است. میرزا محمد فرزند وی بوده است.^۷

۲-۳-۹. [بیضی، نستعلیق] محمدعلی مسکین^۸ = شیخ محمد علی مسکین محرز. در هاشم یک تمسک‌نامه که در دوم جمادی‌الاولی سال ۱۳۳۳ ق. تحریر شده است، دو محرز ذیل یکدیگر به سجل‌نگاری اعترافی کرده‌اند یکی میرزا ابوطالب محرز رضوی و دیگر محمد علی مسکین محرز می‌باشد که چنین نوشته: «اعترف بما زبر فیه لدی حرره میرزا[؟] حسین معروف عندی» که در اصل معرفی‌نامه‌ای است که برای همکار خود میرزا حسین شجاع‌الوکلا نگاشته‌اند.^۹

۲-۳-۱۰. [هشت‌گوش، نستعلیق تحریری] محمدباقرالحسینی = میرزا سید محمدباقر محرز.

۱. همان، ص ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۴، ۳۷، ۴۵، ۳۸، ۴۸.

۲. همان، ص ۲۷ و سند ۱۲۵.

۳. سند ۷۲.

۴. همان، ص ۲۹، ۳۶.

۵. همان، ص ۱۱، ۱۹، ۲۰.

۶. سند ۴۸، ۵۳، ۱۵۱، ۲۰۰.

۷. همان، ص ۱۵، سند ۴۶؛ ص ۱۶، سند ۴۷ و ۴۸، ۳۷.

۸. همان، ص ۴۵ سند ۲۶۲.

در سندی از وی با خطاب «سلاله‌السادات و الانجاب آقا سید محمد باقر محرّر دارالشرع انور» یاد شده و در عریضه‌ای دیگر که میرزا ابوطالب محرّر و شجاع‌الوکلا به سیدباقر محرّر در باب تجدید یک اجاره‌نامه با آقا میرزا محمد فرزند ملا عبدالحسین محرّر نوشته‌اند، مشخص می‌شود که وی محرّری قدیمی و سرشناس بوده است.^۱

۲-۳-۱۱. [هشت‌گوش، نستعلیق تحریری] عبده رضاقلی = میرزا رضاقلی محرّر.

وی هم‌زمان با محمدباقر محرّر، میرزا حسین شجاع‌الوکلا و سید محمد باقر محرّر بوده است.^۲

۲-۳-۱۲. [هشت‌گوش، نستعلیق] مجدالذاکرین ابوطالب‌الرضوی ۱۳۴۰ [؟] = ابوطالب محرّر.

فرزند میرزا طاهر و از سلسله خاندان رضوی در مشهد است. سجع وی با لقب مجدالذاکرین در اسناد ثبت شده است. به نظر می‌رسد القابی که مضاف‌الیه «ذاکرین» دارند علاوه بر پیوند با دارالشرع‌ها با تعزیه خوانی نیز مرتبط هستند.^۳

۲-۳-۱۳. [بیضی، نستعلیق] ابوطالب‌الرضوی ۱۳۲۷ = ابوطالب محرّر.

سجع مهر دیگری از ابوطالب محرّر است و احتمالاً نخستین سجع وی باشد.^۴

۲-۳-۱۴. [بیضی، نستعلیق] ابن حسن احمدالحسینی.^۵

۲-۳-۱۴. [بیضی، ثلث] العبد محمداسماعیل = محمداسماعیل محرّر.

در هامش یک سند ذمه‌نامه که از خود با عنوان «معرف» یاد کرده چنین تحریر کرده است: «معرف/ داعی محمداسماعیل محرّر...»^۶

۳-۳. ملازمان

برای رسیدن به محرّری دارالشرع باید مدتی را در یک «محضر»، «ملازم» می‌بود و کار می‌آموخت. خط نیکو و خوانا، دقت در مقابله و رونوشت‌برداری، قدرت مشاهده بالا در خوانش سجع می‌توانست یک «ملازم» را در پیشرفت کاری‌اش یاری رساند. از این طبقه به دلیل دون‌پایگی‌شان در دارالشرع سجع چندانی در اسناد برجای نمانده است، تنها در خلال سطور و سجل‌هاست که می‌توان به آغاز راه یک محرّر یا «محضر» دار آینده پی برد.

۲-۳-۱. شیخ غلامرضا ملازم

برخی از ملازمان دارالشرع سمت وکالت را نیز می‌پذیرفته‌اند؛ یکی از آنها شیخ غلامرضا است که محرّر

۱. همان، ص ۴۶، ۳۷.

۲. همان، ص ۴۶.

۳. همان، ص ۱۷، سند ۳۱۳.

۴. همان، ص ۴۵، سند ۲۶۲، ۳۴.

۵. سند ۳۸.

۶. سند ۲۵۵.

در فحوای سند او را ملازم شرع انور خوانده است.^۱ البته این غلامرضا در اصل روضه‌خوان است، اما گویا وکالت و ملازمی را نیز جزء کارهای جنبی خود می‌پذیرفته.^۲

۲-۳-۲. میرزا حسین ملازم

میرزا حسین رضوی ملقب به شجاع‌الوکلا که در بخش محرران از او یاد شد نیز پس آنکه مدتی ملازم بوده، به محرری دست یافته؛ سپس در وکالت چنان شهرتی پیدا کرده که مفتخر به لقب شجاع‌الوکلا گردیده است.

۲-۳-۳. ملا عبدالمجید ملازم

نام وی در سجل یک سند آمده است و پس از آن مهر بیضی وی که با خط نستعلیق تحریری حک شده با سجع عبدالمجید و رقم ناخوانا منقوش شده است. گویا فرزند کربلایی کاظم و از قریه فاز بوده است.^۳

۲-۳-۴. سید حسن عرب ملازم

نام وی نیز در سجلی در هامش سند پس از نام محمدعلی شریف‌الذاکرین محرر و خادم آستان قدس آمده و «ملازم دارالشرع» معرفی شده است. این خود نشانگر آن است که مرتبه ملازم از محرر پست‌تر و نام ملازمان پس از نام محرران می‌آمده.^۴

۳-۴. اقل‌الطلبه‌ها و سجع‌ها و سجلات بی ساختار

اقل‌الطلبه‌ها هم‌زمان که در مدارس تحصیل علوم دینی می‌کرده‌اند، به دارالشرع می‌آمده و در هامش اسناد گاهی بدون سجع سجل‌نگاری می‌کرده‌اند. دیده شده که در دنباله نام خود، نام مدرسه‌ای را که تحصیل می‌کرده‌اند را نیز می‌نوشته‌اند. بسیاری از سجع‌ها و سجل‌نگاشته‌ها نیز وجود دارند که سامان درستی را نمی‌توان از آنها استخراج کرد، اما در اسناد تکرار شده‌اند. البته در هر سند، سجع و سجل‌نگاری طرفین معامله همواره به چشم می‌خورد، اما اینکه علاوه بر طرفین معامله در عقود و مجتهدان، محرران، ملازمان و اقل‌الطلبه‌ها چه کسان دیگری اثری از خود بر یک سند باقی گذاشته‌اند، نیاز به تحقیقات بیشتری دارد.

یافته‌ها

در سراسر دوره قاجاریه تا برآمدن عدلیه و ظهور دادگستری نوین نظام یک‌پارچه‌ای مسایل حقوقی - عقود و ایقاعات - مردم را راه‌بری می‌کرد. این نظام که برآمده از متون فقهی بود به زعامت مجتهدان که عمدتاً از خاندان‌های مشهور و یا سادات هر شهر بودند، اداره می‌شد. مجتهدان در مکانی که در اسناد از آن به «دارالشرع انور» یاد شده به ارائه خدمات شرعی می‌پرداختند. دارالشرع دارای ارکانی بود. مجتهدان، محرران و ملازمان از ارکان اصلی دارالشرع‌ها بودند. این نوشتار سعی کرد دارالشرع مشهد را مورد بررسی

۱. همان، ص ۴۷، سند ۲۷۹.

۲. همان، ص ۴۷، سند ۲۷۸.

۳. همان، ص ۲۰، سند ۷۲، ۷۳.

۴. همان، ص ۱۴، سند ۳۵.

قرار دهد و به شناسایی و رمزگشایی برخی از دست‌اندرکاران آن بپردازد. علاوه بر آن بررسی‌ها نشان داد که نه تنها دارالشرع انور در شهرهای مختلف فعال بوده بلکه مشاغل و القاب وابسته به خود را نیز تولید می‌کرده است. جستجو بر اسناد شهرهای مختلف ایران می‌تواند زمینه را برای شناسایی «دارالشرع‌های ایران» هموار کرده و از دیگرسوی به دانش سندشناسی یاری رساند.

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.
- استنفورد، مایکل، درآمدی بر تاریخ پژوهی، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
- انصاری، ناصرالدین، شهید رابع، مرحوم آیت الله میرزاحمد مهدی خراسانی، قم، مؤسسه آل الرسول (ص)، ۱۳۷۶.
- تهرانی، الذریعه الی التصانیف الشیعه، بیروت، دارالآضواء، آ، ۱۴۰۳-۱۹۸۳ م.
- خراسانی، میرزا حبیب، دیوان حاج میرزا حبیب، تهران، کتاب فروشی زوار، بی تا.
- رضایی، امید، قباله‌های پارسی، پردازش صوری و محتوایی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۸.
- رضایی، امید، درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
- رضوی، میرزا محمد باقر، شجره طیبه در انساب سلسله سادات علویه رضویه، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۴.
- ریاحی، محمد امین، تاریخ خوی، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۷۲.
- سلیمانی، محمدحسین، اسناد شرعی قاجاری در خاندان میر محمد جعفر رضوی (واقف ۱۱۰۸ ق)، قم، نشر مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۲.
- شاردن، سفرنامه شاردن، جلد ۵، مترجم اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۲.
- طهرانی، آغابزرگ، طبقات اعلام شیعه، نقباء البشر فی قرن الرابع عشر، مشهد، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق.
- قائم‌مقامی، جهانگیر، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار و مفاخر ملی، ۱۳۵۰.
- گلشن آزادی، علی اکبر، صد سال شعر خراسان، مشهد، مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- میرزا عبدالرحمن، تاریخ علمای خراسان، مشهد، کتاب فروشی دیانت، ۱۳۴۱.
- ولایی، مهدی، شرح حال نواب تولیت عظامی آستان قدس رضوی، نامه آستان قدس، ۸۳-۹۲، ۱۳۴۳.